

نقش ضابطان قضایی در پیشگیری از بزه‌دیدگی ثانویه ناشی

از جرائم جنسی

نودر امین صارمی^۱ و بهناز غلام‌نیا^۲

چکیده

زمینه و هدف: بزه‌دیدگان جرائم جنسی به دلیل دارا بودن ویژگی‌های خاص، جزء اقشار آسیب‌پذیر هستند و از آنجایی که ارتکاب جرائم جنسی نقش بسیار مهمی در خانواده و جامعه دارد، این بزه‌دیدگان پیامدهای شدیدی را تحمل خواهند کرد که آنان را به جهت بزه‌دیده واقع نشدن ثانویه، نیازمند حمایت ویژه‌ای می‌سازد. روش‌های پیشگیری از طرف مقام‌های قضایی از جمله ضابطان دادگستری جامع و فراگیر هستند. در این پژوهش سعی بر آن است که تدابیر پیشگیری ضابطان دادگستری در جلوگیری از بزه‌دیدگی ثانویه جرائم جنسی مورد بررسی قرار گیرد. **روش:** پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش توصیفی - تحلیلی است که با استفاده از بررسی قوانین و مقررات و منابع اسنادی انجام شد.

یافته‌ها و نتایج: نتایج پژوهش نشان داد که برنامه‌های پیشگیری از جرم درصدد ایجاد روش‌ها و راهکارهای موقعیت محور هستند تا فرصت‌های ارتکاب جرم بر بزه‌دیدگان جرائم جنسی را کاهش دهند و بزه‌دیدگی آنان را به حداقل برساند تا بار دیگر بزه‌دیده این گونه جرائم قرار نگرفته و بدین وسیله آنان را حمایت کنند.

کلیدواژه‌ها: بزه‌دیدگی ثانویه، جرائم جنسی، ضابطان قضایی، پیشگیری از جرم.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

□ **استناد:** صارمی، نودر امین و غلام‌نیا، بهناز (۱۳۹۸). نقش ضابطان قضایی در پیشگیری از بزه‌دیدگی ثانویه ناشی از جرائم جنسی. *فصلنامه*

رهیافت پیشگیری، ۲(۲)، صص ۸۱-۹۸.

۱. دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه علوم انتظامی امین. (نویسنده مسئول). رایانامه: naminsaremi@gmail.com

۲. کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی. رایانامه: a.allamnia@gmail.com

مقدمه

بزه‌دیدگی ثانوی یا آسیب‌های ثانویه به آسیبی اشاره دارد که نه به منزله نتیجه مستقیم فعل مجرمانه، بلکه از رهگذر وقوع جرائم و واکنش نهادها و نظام عدالت کیفری به بزه‌دیده روی می‌دهد. در صورتی که بزه‌دیده نتواند دادخواهی کند یا در فرآیند عدالت کیفری به حاشیه رانده شود و نقش فعالی به او داده نشود در واقع در معرض ناملايمات جدید و حتی بزه‌دیدگی دوباره قرار می‌گیرد. حمایت از بزه‌دیدگان جرائم جنسی، به منزله رویکردی مثبت‌نگر در حوزه بزه‌دیده‌شناسی، دستاورد پیوند یافته‌های بزه‌دیده‌شناسانه با سیاست جنایی در پرتو مفهومی به نام پیشگیری است. از جمله مسائل مهم جرم‌شناسی این است که چرا بزه‌دیدگی ثانوی اتفاق می‌افتد؟ با دستگیری و مجازات مجرم از یک سو و تجارب حاصل از وقوع جرم برای بزه‌دیده از سوی دیگر، انتظار آن می‌رود که بزه‌دیده دیگر بار بزه‌دیده جرم قرار نگیرد اما پژوهش‌های میدانی و آمارها خلاف این را نشان می‌دهند. یکی از دیدگاه‌ها درباره علل بزه‌دیدگی ثانوی، نظریه انتخاب منطقی بزهکاران است. مطابق این نظریه، بزهکاران آماج‌های بالقوه خود را با حساب‌گری انتخاب می‌کنند. یکی از نتایج این نظریه پذیرش این مسئله است که تحلیل منطقی از موقعیت‌ها، در برخی مواقع، زمینه بزه‌دیدگی مجدد را فراهم می‌سازد.

علاوه بر بزه‌دیده، قانون‌گذار نیز می‌تواند از وقوع این جرائم یا جرم‌انگاری و کیفرگذاری برخی رفتارهای بزه‌دیده که زمینه‌ساز بزه‌دیدگی خود او می‌شود، پیشگیری کیفری کند. بعد از اعلام جرم از سوی بزه‌دیده تا خاتمه تحقیقات مقدماتی، در مواجهه با برخی مشکلات، از ضابطان قضایی انتظار همکاری و برخورد مناسب می‌رود. از آن جهت که ضابطان قضایی اولین گروه از مقامات عدالت کیفری است که بزه‌دیده با او مواجه می‌شود، ممکن است برخی مواقع، حتی بزه‌دیده از اعلام جرم به ضابطان قضایی به علت پیش ذهنیت برخورد نامناسب خودداری کند. رفتار کرامت‌مدار ضابطان قضایی و همدردی با بزه‌دیده در ایجاد آرامش و امنیت وی حائز اهمیت خاص است، اما قاعده و قانونی نیست که چنین تکلیفی را به صورت الزام برای مردم وضع کرده باشد و متداول است که ضابطان قضایی می‌توانند چنین تکلیفی را عملی کنند. با توجه به اینکه بخش زیادی از بزه‌دیدگان جرائم را زنان و دختران تشکیل می‌دهند، نبود یا کمبود ضابطان قضایی زن در مراکز انتظامی و قضایی سبب می‌شود که ضابطان قضایی مرد نتوانند خدمات مناسب و مطلوبی را به بزه‌دیدگان زن به خصوص در مراحل بازجویی، تحقیق و ارائه کنند. بنابراین وجود

ضابطان قضایی زن در مراجع انتظامی می‌تواند تا حدودی مشکلات زن بزه‌دیده را کاهش دهد.

جرم بر بزه‌دیدگان خود خسارت جسمی، مالی و عاطفی متعددی وارد می‌کند. بزه‌دیدگان ممکن است از خود جرم (یعنی بزه‌دیدگی نخستین) یا شیوه واکنش دیگران به آنان یا به جرم‌هایی که تجربه می‌کنند یعنی قربانی شدن دومین اثر بپذیرند. همچنین ممکن است این آسیب‌ها از رفتار آزاردهنده یا نامناسب ضابطان قضایی با دیگر کارکنان نظام عدالت کیفری ناشی شود. دیگر کارگزاری‌هایی که در تماس با بزه‌دیده قرار می‌گیرند، نیز ممکن است موجب بزه‌دیدگی دومین شوند. بزه‌دیدگی ثانوی یا فرعی شامل ناملایماتی می‌شود که شاکی یا بزه‌دیده ممکن است در برخورد با ضابطان و مراجع قضایی و اداری در ارتباط با شکایت، اقدام و حضورش در آن مراجع متحمل شود؛ یعنی در واقع فشارها، بداخلاقی‌ها، بی‌حرمتی‌ها، تندخویی‌ها و ناملایماتی که بزه‌دیده ممکن است در جریان فرایند کیفری متحمل شود و بر آن بزه‌دیدگی اولیه و اصلی‌اش که بابت آن در مراجع مربوط حضور پیدا کرده است.

بر اهمیت نقش ضابطان قضایی در پاسخگویی به بزه‌دیدگان جرم، تا حد تأکید شده است زیرا ضابطان قضایی بیشتر از سایر مسئولان نظام عدالت کیفری با آسیب‌دیدگان سروکار دارد. نخستین کسانی که بزه‌دیدگان با آنها در تعامل هستند، افسرانی هستند که در صحنه جرم حاضر می‌شوند و یا کارآگاهانی هستند که درباره موضوع جرم، تحقیق و بازجویی می‌کنند. بزه‌دیدگان انتظار دارند که در طول فرآیند عدالت کیفری به بهترین وضع ممکن، به آنها توجه و رسیدگی شود، زیرا هر ضابط قضایی که در تعامل با بزه‌دیدگان جرم قرار دارد - چه به صورت تلفنی و یا به صورت حضوری - باید بداند که چگونه با یک روش حساس و مؤثر پاسخگوی نیازهای بزه‌دیدگان باشد و مسئولیت خود را انجام دهد. در برخی از مراکز ضابطان قضایی، عملکرد بعضی از مأموران قضایی به گونه‌ای است که با خصوصی و بی‌اهمیت تلقی کردن پرونده، تلاش می‌کنند بزه‌دیده را از ادامه تعقیب منصرف کنند و با دعوت به صلح و آشتی، آمار پرونده‌های کیفری را کاهش دهند. در این گونه موارد اگر مصالح بزه‌دیده لحاظ نشود، این امکان وجود دارد که وی در معرض تهدیدهای جدیدی از جانب بزهکار قرار گیرد. در این رابطه این پرسش اصلی مطرح می‌شود که نقش ضابطان قضایی در پیشگیری از بزه‌دیدگی ثانویه ناشی از جرائم جنسی چیست؟

مبانی نظری: ضابط، لفظی عربی از ریشه ضبط به معنی نگهداری کردن است و به معانی فراهم آورنده، نگهدارنده چیزی، آنکه ضبط می‌کند (دهخدا، ۱۳۸۹، ص ۱۱)؛ حفظ‌کننده، حاکم، قائد، قوی، مرد باهوش و

ضابط (عمید، ۱۳۸۷، ص ۸۳۳)، ضابطان قضایی، پاسبان اداره شهربانی (سیاح، ۱۳۷۵، ص ۵۴۵) محفوظ دارند، کارگزار، رئیس انتظامات شهر، محصل مالیات، ممیز مالیات و مباشر (انصاف پور، ۱۳۸۶، ص ۶۵۷) آمده است و هر کدام در مقطع خاصی از زمان رایج بوده و در حال حاضر بیشتر این واژه‌ها اعتبار و استحکام خود را از دست داده است و در متون حقوقی جدید به جای آنها از کلمه مخصوص «ضابط» استفاده می‌شود (قاسم پور، ۱۳۸۱، ص ۴۰). ضابطان دادگستری یا ضابطان قضایی، مأمورانی هستند که با نظارت و تعلیمات دادستان عمومی و انقلاب یا سایر مراجع قضایی در کشف و تحقیق مقدماتی جرم، حفظ آثار و دلایل آن و جلوگیری از فرار و اختفای متهم به موجب مقررات قانونی اقدام می‌کنند. ماده ۱۹ قانون اصول محاکمات جزایی مصوب ۱۲۹۰ از این افراد با عنوان ضابطان عدلیه یاد کرده بود (آخوندی، ۱۳۹۲، ص ۲۵). در اصطلاح حقوقی ضابطان مأمورانی هستند که در حدود مقررات قانون دادرسی، مکلف به بازجویی و تحقیق، گردآوری مدارک و دلایل جرم، جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم و تعقیب قانونی او هستند (قاسم پور، ۱۳۸۱: ۱۵).

همچنین بزه‌دیده به شخصی گفته می‌شود که به دنبال رویداد یک جرم، آسیب، زیان یا آزار می‌بیند که این آسیب ممکن است بدنی، عاطفی، مالی و یا آسیب اساسی به حقوق بنیادی وی باشد (رایجیان اصلی، ۱۳۸۱، ص ۱۵). سازمان ملل متحد نیز در ۱۱ دسامبر ۱۹۸۵، بزه‌دیده را این گونه معرفی می‌کند: «بزه‌دیدگان کسانی هستند که به طور فردی یا گروهی متحمل خسارت شده‌اند. این خسارت به ویژه در زمینه‌های مربوط به آسیب به تمامیت جسمانی یا روانی، رنج روحی، خسارت مادی و وارد شدن لطمه بزرگی به حقوق اساسی افراد می‌شد. این خسارات ناشی از افعال یا ترک افعالی است که قوانین جزایی یک دولت عضو را نقض می‌کند و نشان‌دهنده تخلف از مقررات حقوقی است که در زمینه حقوق بشر برای بزه‌دیدگان جرائم از یک طرف و برای سوءاستفاده از قدرت از طرف دیگر در سطح بین‌المللی شناخته شده‌اند». بزه‌دیده کسی است که یک خسارت قطعی، آسیبی به تمامیت جسمی او وارد کرده است و بیشتر افراد جامعه هم به این مسئله اذعان دارند (گسن، ۱، ۱۳۷۰، ص ۱۹۸). عمل قربانی کردن مجرمانه را بزه‌دیدگی می‌گویند. عمل مجرمانه‌ای که شخص قربانی آن می‌شود؛ می‌تواند قتل، سرقت، تجاوز به عنف و بسیاری از جرائم دیگر باشد؛ فردی که قربانی چنین عمل مجرمانه‌ای می‌شود ممکن است زن، مرد،

پیر یا جوان باشد، به عبارتی همان گونه که جرائم متنوع هستند بزهدیدگان هم متنوع و گوناگون هستند. بزهدیدگی ثانویه مفهومی است که از یک طرف به بزهدیده غیر مستقیم و آنچه در بزهدیده‌شناسی ثانویه مطرح می‌شود، نزدیک است و از سوی دیگر، به بزهدیدگی ناشی از رویه قضایی اطلاق می‌شود (اولی قمی، ۱۳۹۷، ص ۲). بزهدیده‌شناسی ثانویه در اثر تحول و توسعه بزهدیده‌شناسی اولیه به وجود آمده است که دغدغه آن، بهتر ساختن سرنوشت بزهدیده با ارایه کمک، حمایت‌های مادی و معنوی و جبران خسارت‌های وی است. بزهدیدگی ثانوی یا آسیب‌های ثانویه به آسیبی اشاره دارد که نه به منزله نتیجه مستقیم فعل مجرمانه، بلکه از رهگذر وقوع جرائم و واکنش نهادها و نظام عدالت کیفری به بزهدیده روی می‌دهد. در صورتی که بزهدیده نتواند دادخواهی کند یا در فرآیند عدالت کیفری به حاشیه رانده شود و نقش فعالی به او داده نشود در واقع مورد ناملایمات جدید و حتی بزهدیدگی دوباره قرار می‌گیرد. وقتی نیازهای وی نادیده گرفته شود و برای جبران آسیب‌های مادی و معنوی وی کاری در خور موقعیت وی و متناسب با آسیب‌های وارد شده انجام نشود، آسیب‌دیدگی ثانویه یا بزهدیدگی وی تشدید می‌شود (قاسمی، ۱۳۹۰، ص ۸۸). همچنین ممکن است این آسیب‌ها از رفتار آزاردهنده یا نامناسب ضابطان قضایی یا دیگر کارکنان نظام عدالت کیفری ناشی شود. بزهدیدگی ثانوی یا فرعی شامل ناملایماتی می‌شود که شاکلی یا بزهدیده ممکن است در مراجع انتظامی، قضایی و اداری در ارتباط با شکایت، اقدام و حضورش در آن مراجع متحمل می‌شود؛ یعنی در واقع فشارها، بداخلاقی‌ها، بی‌حرمتی‌ها، تندخویی‌ها و ناملایماتی که بزهدیده ممکن است در جریان فرآیند کیفری متحمل شود و بر آن بزهدیدگی اولیه و اصلی‌اش که بابت آن در مراجع مربوط حضور پیدا کرده است، افزوده شود (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۴، ص ۱۲). از طرف دیگر جرائم جنسی از کهن‌ترین و با سابقه‌ترین انحراف‌های بشری هستند که ردپای آنها را می‌توان در طول تاریخ مشاهده کرد، بنابراین قدمت تاریخی انحراف‌های جنسی با قدمت پیدایش موجود زنده برابر است؛ زیرا جنسیت و روابط جنسی برای بقای موجودات زنده‌ای که از دو جنس مخالف باشند، از جمله مظاهر اصلی و ارکان تعریف حیات است (کی‌نیا، ۱۳۸۸، ص ۵۲۸)؛ مفهوم جنس و جنسیت نیز متناسب با فرهنگ‌ها و سطح آگاهی مردم از زمینه‌های علمی مربوط به آن و با توجه به میزان پیشرفت دانش پزشکی متنوع و متکثر است، بنابراین هر جرمی که مستلزم رابطه جنسی یا هر عمل جنسی دیگری باشد جرم جنسی نامیده می‌شود (توکلی، ۱۳۹۲، ص ۱۴). امروزه ارتکاب جرائم جنسی در چارچوب نظام عدالت

کیفری بیش از گذشته افزایش یافته است، بخش عمده‌ای از این افزایش آمار ارتکاب جرائم جنسی، ناشی از سیر صعودی میزان گزارش این گونه جرائم است. همچنین، تعریف جرائم جنسی امروزه گسترده‌تر از هر زمان دیگری شده است. جرائم جنسی هر نوع رفتاری است که به منظور ارضای غرایز جنسی خارج از چارچوب روابط زناشویی و متعارف انجام شود و در قانون یا شرع برای آن مجازات تعیین شده باشد، خواه با رضایت طرفین یا غیر از آن باشد.

جرم بر بزه‌دیدگان ضمن خسارت جسمی و مالی، خسارت عاطفی متعددی نیز وارد می‌کند. بزه‌دیدگان ممکن است از خود جرم (بزه‌دیدگی اولیه) یا شیوه واکنش دیگران به آنان یا به جرم‌هایی که تجربه می‌کنند (بزه‌دیده ثانویه) اثر بپذیرند. بزه‌دیدگی نخستین اثر مستقیم و بی‌واسطه جرم بر بزه‌دیده است ولی قربانی شدن، آثار منفی افزونی است که از رهگذر پاسخگویی افراد (مانند اعضای خانواده یا بستگان بزه‌دیده) یا برخی از نهادها (ضابطان قضایی، ضابطان، دادسرا، دادگاه و مانند آن) به بزه‌دیده وارد می‌آید (رایجیان اصلی، ۱۳۸۴، ص ۷۴). آسیب‌های ناشی از جرم را بسته به نوع اثری که بر بزه‌دیدگان جرائم می‌گذارد، می‌توان به دو نوع آسیب‌های نخستین و ثانویه تقسیم کرد.

آسیب‌های نخستین: به نوعی از آسیب گفته می‌شود که نتیجه مستقیم فعل مجرمانه بر شخص بزه‌دیده باشد. بعد از ارتکاب جرم، بزه‌دیدگان ممکن است تأثیرهای جسمی، مال، روحی و روانی مختلفی را متحمل شوند که از آنها به عنوان آسیب‌های نخستین یاد می‌شود.

آسیب‌های جسمی: بعد از ارتکاب جرم، بزه‌دیدگان ممکن است تأثیرهای جسمی مختلفی را متحمل شوند مانند بی‌خوابی، اختلال در اشتها، تهوع، کاهش غریزه‌های جنسی و مانند آن که ممکن است چنین واکنش‌هایی تا مدت‌ها بعد از ارتکاب جرم باقی بمانند. آسیب‌های جسمی ناشی از بزه‌دیدگی همیشه فوری آشکار نمی‌شود. این امر به ویژه در خشونت خانگی که به بخش‌هایی از بدن آسیب می‌رسد و به طور معمول پوشیده است اتفاق می‌افتد.

آسیب‌های مالی: بزه‌دیدگان از جرم ممکن است هزینه‌های مختلفی را متحمل شوند مانند: تعمیر یا عوض کردن مال، دسترسی به خدمات بهداشتی و مانند آن. در بعضی از مواقع ممکن است بزه‌دیدگان احساس نیاز به نقل مکان داشته باشند، فرایندی که شاید هزینه‌های مالی در پی دارد (شایان، ۱۳۸۴، ص ۱۴).

آسیب‌های روانی: بعد از وقوع جرم، واکنش‌های روانی خاصی از سوی فرد صورت می‌گیرد. واکنش اولیه

ممکن است شوک، ترس، خشم، احساس ناتوانی، ناباوری و گناه باشد. خشم واکنشی است که برخی از بزه‌دیدگان و کمک‌کنندگان به دشواری می‌توانند از پس آن برآیند. خشم ممکن است متوجه دیگر بزه‌دیدگان، کمک‌کنندگان، رهگذران، سازمان‌ها و نیز خود شخص باشد. انکار آسیب روانی و پیامدهای آن موضوعی شایع در میان آسیب‌دیدگان جرائم است. دلایل معتبری برای این موضوع وجود دارد و آن این است که وقتی بزه‌دیده آسیب وارد شده به خود را مطرح می‌کند، کسی سخن او را باور نمی‌کند. با وجود این باید توجه داشت میزان واکنش و آسیب‌پذیری افراد نسبت به حادثه یا قربانی شدن متفاوت است (پوت و این^۱، ۱۳۸۶، ص ۴۰).

آسیب‌های ثانویه: منظور نوعی از آسیب است که نه به منزله نتیجه مستقیم فعل مجرمانه، بلکه از رهگذر وقوع جرائم و واکنش نهادها و نظام عدالت کیفری به بزه‌دیده روی می‌دهد. در صورتی که بزه‌دیده نتواند دادخواهی کند یا در فرآیند عدالت کیفری به حاشیه رانده شود و نقش فعالی به او داده نشود، در واقع ناملایمات جدید و حتی بزه‌دیدگی دوباره قرار شد. وقتی نیازهای وی نادیده گرفته شود و برای جبران آسیب‌های مادی و معنوی وی کاری در خور شأن و موقعیت وی و متناسب با آسیب‌های وارد شده انجام نشود، مورد آسیب‌دیدگی ثانویه قرار می‌گیرد. همچنین ممکن است این آسیب‌ها از رفتار آزاردهنده یا نامناسب ضابطان قضایی یا دیگر کارکنان نظام عدالت کیفری ناشی شود. بزه‌دیدگی ثانوی شامل ناملایماتی می‌شود که شاکی یا بزه‌دیده ممکن است در مراجع قضایی و اداری در ارتباط با شکایت، اقدام و حضورش در آن مراجع متحمل شود یعنی در واقع فشارها، بداخلاقی‌ها، بی‌حرمتی‌ها، تندخویی‌ها و ناملایماتی که بزه‌دیده ممکن است در جریان فرآیند کیفری متحمل شود و بر آن بزه‌دیدگی اولیه و اصلی که بابت آن در مراجع مربوط حضور پیدا کرده است، افزوده شود (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۴، ص ۲۴).

دومین آسیب غیر مستقیمی که ممکن است بزه‌دیدگان تجربه کنند، تکرار بزه‌دیدگی است. اصطلاح بزه‌دیدگی دوباره یا تکرار بزه‌دیدگی را می‌توان ناظر به مواردی دانست که شخص برای دومین بار بزه‌دیدگی را تجربه می‌کند، ولی هرگاه رخداد بزه‌دیدگی فرآیند پیوسته‌ای باشد که در پی مجموعه‌ای از رفتارها شخص را به آسیب و زیان و درد و رنج دچار کند، می‌توان از بزه‌دیدگی یا بزه‌دیدگی‌های مکرر سخن به میان آورد (رایجیان اصلی، ۱۳۸۴، ص ۱۹۷). بزه‌دیدگان ممکن است از خود جرم یا راهی که از رهگذر آن، دیگران به

جرم یا به خود آن پاسخ می‌دهند، اثر بپذیرند. خطر بزه‌دیدگی، به طور نامنظمی، در مکان‌ها و بخش‌های گوناگون جمعیت پراکنده است. به نظر می‌رسد زنان بیشتر احتمال دارد که در جرائم جنسی بزه‌دیده واقع شوند. بدین سان همچنان که جرم آثار گوناگون بر بزه‌دیده یا بزه‌دیدگان دارد، ممکن است پیامدهای نامطلوب مختلف مادی (بدنی، روانی) یا معنوی (عاطفی، حیثیتی) نیز به همراه داشته باشد که از رهگذر همه افراد و نهادهای پاسخگو در برابر رویداد مجرمانه بر بزه‌دیده وارد می‌شود (قاسمی، ۱۳۹۰، ص ۸۹).

روش

این پژوهش از نظر هدف کاربردی است و از نظر ماهیت و روش، توصیفی - تحلیلی است. روش گردآوری داده‌ها به صورت اسنادی است که با رجوع به منابع کتابخانه‌ای، مقالات و مجموعه قوانین و نیز پایگاه‌های اینترنتی اطلاعات علمی انجام شد.

یافته‌ها

نقش حمایتی ضابطان قضایی: مداخله و نقش ضابطان دادگستری در گرو تضمین ایمنی و امنیت بزه‌دیدگان است و همزمان باید فرصتی را برای بزه‌دیدگان جهت مطرح کردن آنچه که روی داده است و واکنش‌هایشان نسبت به آن رویداد، اطمینان از درستی واکنش‌های آنان و آماده کردن خود برای پرداختن به پیامدهای آن رویداد فراهم کند. در واقع بزه‌دیده جنسی پس از گزارش ارتکاب جرم به ضابطان دادگستری نیازمند ارائه خدمات اولیه است تا راحت‌تر به عدالت کیفری دسترسی پیدا کند. بخشی از این خدمات می‌تواند اقداماتی باشد که برای تسهیل فرآیند پیگیری صورت می‌پذیرد. بخشی دیگر نیز مربوط به بازگرداندن شرایط مساعد روانی به بزه‌دیده ثانوی جنسی است، ارتکاب هر جرمی علاوه بر آن که خسارت‌های مادی را برای بزه‌دیده به همراه دارد سبب آزردهی خاطر احساسات و عواطف وی نیز می‌شود. آلام روحی ناشی از ارتکاب جرم، به عواملی چون شدت جرم، نحوه ارتکاب جرم و مانند آن وابسته است. از این رو به نظر می‌رسد که به موازات افزایش شدت جرم و خشونت آمیز بودن آن، آزردهی روانی نیز افزایش یابد. بزه‌دیده‌شناسی حمایتی معتقد است که ضابطان قضایی باید در راستای کاهش این بحران مداخله کنند. این مداخله می‌تواند در قالب‌هایی چون گوش دادن به صحبت‌های بزه‌دیده و صحبت کردن با او انجام پذیرد. مداخله در بحران در گرو تضمین ایمنی و امنیت بزه‌دیدگان ثانوی جنسی است و همزمان باید فرصتی را برای

آنها به منظور مطرح کردن گزارش‌های خود درباره آنچه روی داده فراهم آورد. اگر بحران پس از بزه‌دیدگی ثانوی جنسی به شکل یک آسیب بدنی یا روانی باشد مداخله در بحران پس از بزه‌دیدگی باید با توجه به نیاز بزه‌دیده به کمک فوری یا عادی پزشکی انجام پذیرد (قوام، ۱۳۸۹، ص ۸۳).

بزه‌دیدگان جنسی ممکن است نگران باشند که مشارکت در فرآیند عدالت کیفری موجب تشدید آزارهای عاطفی‌شان شود. اگر درد و رنج عاطفی برخواسته از جرم نشانه‌ای از بحران باشد، با چیرگی احساس نامنی بر بزه‌دیده ممکن است به بزه‌دیدگی ثانویه جنسی منجر شود. رویاروی بزه‌دیده با بزهکار، رسیدگی به وضع بزه‌دیده در صحنه جرم، تهدیدهای بعدی بزهکار یا خانواده و دیگر بستگان وی مهمترین علت این احساس نامنی است. ابراز همدردی با بزه‌دیده و تأیید پاره‌ای از نگرانی‌های وی می‌تواند در مهار بحران و پیشگیری از گسترش آثار بزه‌دیدگی نقش داشته باشد. سرانجام مداخله در بحران باید با آماده کردن بزه‌دیده برای رویارویی با دشواری‌هایی که ممکن است در آینده برایش پیش آید به او کمک کند. بنابراین آگاه‌سازی بزه‌دیده از بزه روی داده و پیامدهای آن مهمترین عامل برای تحقق این کمک‌رسانی است. از مصادیق این آگاه‌سازی می‌توان به تهیه بروشورهایی توسط ضابطان قضایی که مربوط به مراحل رسیدگی به هر یک از جرائم است، همچنین راهنمایی بزه‌دیده و بستگان وی در مورد سیر مراحل پرونده، آگاه‌سازی بزه‌دیده نسبت به کمک سازمان‌های مردم‌نهاد، ارائه اطلاعاتی در خصوص نحوه جبران خسارت‌های ناشی از جرم و امکانات بیمه‌ای اشاره کرد. امروز مداخله در بحران‌ها شکل‌های گوناگونی دارد که یکی از برجسته‌ترین آنها مداخله در بحران ضابطان قضایی مدار است (رایجیان، ۱۳۸۴، ص ۷۵). در تعامل ضابطان قضایی با بزه‌دیده به منظور مداخله به موقع ضابطان قضایی در بحران‌های پس از بزه‌دیدگی و جلوگیری از توسعه آن و نیز کاستن از آسیب‌های جرم، لازم است ضابطان قضایی تدابیری را برای دسترسی سریع و آسان بزه‌دیده به مأموران ضابطان قضایی فراهم کند. نقش نظارتی ضابطان قضایی: بزه‌دیدگان جرائم جنسی از جمله گروه‌های آسیب‌پذیر در مقابل جرم هستند که نیازمند حمایت‌های ویژه‌ای برای جلوگیری از بزه‌دیدگی ثانویه هستند. حمایت از بزه‌دیدگان جرائم جنسی و پیشگیری از بزه‌دیدگی ثانویه این دسته از جرائم یکی از دغدغه‌های مهم سیاست جنایی است. تدابیر پیشگیری وضعی برای مقابله با بزه‌دیدگی ثانوی جنسی: هدف پیشگیری وضعی تأثیرگذاری بر وضعیت و شرایط قبل از ارتکاب جرم، وضعیت پیش جنایی، آستانه ارتکاب جرم و حین ارتکاب جرم است و سعی می‌شود با افزایش خطر شناسایی و احتمال دستگیری بزهکاران بر محیط و شرایط

وقوع جرم تسلط یابند. در برنامه‌ریزی اجرایی پیشگیری وضعی بزه‌دیدگی ثانویه جرائم جنسی، به طور معمول اقدامات زیر انجام می‌شود:

- حذف وضعیت‌های جرم‌زا: می‌توان با بکارگیری برخی تدابیر، وضعیت‌ها و موقعیت‌های مناسب ارتکاب جرم را از بزه‌کاران بالقوه گرفت و بزه‌دیدگان اولیه جرائم جنسی را از بزه‌دیدگی ثانویه رهانید. این اقدام در برگیرنده تدابیری است که بزه‌دیده را به صورت مستقیم یا غیر مستقیم از این که هدف مناسبی برای ارتکاب عمل مجرمانه و جرم باشند محافظت می‌کند و آنها را مصون می‌دارد.

- افزایش آگاهی به بزه‌دیده جرائم جنسی: آگاهی نقش بسیار مهمی در جلوگیری از بزه‌دیدگی دارد. استفاده از روش آموزش، یکی از راهبردهای سیاست جنایی مشارکتی برای پیشگیری از جرم است. در این روش سعی بر آن است تا از طریق ابزارهای مختلف و با کمک نهادهای مردمی و مشارکت فعال افراد جامعه، پیشگیری از جرم به مردم آموزش داده شود. بسیاری از بزه‌دیدگی‌های جنسی به دلیل ناآگاهی و جهل آنان است. بسیاری از بزه‌دیدگان جرائم جنسی حتی به ابتدایی‌ترین حقوق قانونی خود آگاهی ندارند و پیامدهای برخی رفتارهایشان که ممکن است به بزه‌دیدگی آنان بیانجامد را درک نمی‌کنند. اعلام به موقع وضعیت‌های پرخطر، مکان‌ها و زمان‌های جرم‌زا و سایر ویژگی‌های فرد در معرض خطر، یکی از روش‌های مؤثر در جلوگیری از بزه‌دیدگی ثانویه جرائم جنسی است. بالا بردن آگاهی بزه‌دیدگان جرائم جنسی از طریق ارتقای سطح معلومات، علاقمند کردن آنها به تحصیل، اشتغال، حضور در صحنه‌های علم و فرهنگ و دور شدن از جهالت و حاشیه‌گزینی ممکن می‌شود. هر بزه‌دیده جرم جنسی باید با سرعت متناسب خود گام بردارد و وقت کافی برای پردازش اطلاعات و نحوه‌های تفکر داشته باشد و راه‌های تغییر زندگی را ارزیابی کند. تنها کسانی که به حقوق انسانی خویش آگاهی دارند می‌توانند اقدامی مؤثر برای استفاده و دفاع از حقوق خود به عمل آورند. برای از بین بردن منفعت مجرم و کاهش فرصت‌های مجرمانه باید برنامه‌هایی برای اطلاع‌رسانی به بزه‌دیدگان جرائم جنسی در نظر گرفته شود. امروزه آموزش همگانی حقوق، از ضرورت‌های زندگی اجتماعی است و کارشناسان مسائل اجتماعی توصیه می‌کنند در مدارس واحدهای حقوقی تدریس شود و جزء برنامه‌های آموزشی دانش‌آموزان قرار گیرد. با آشناسازی افراد نسبت به حقوق و تکالیفشان، زمینه تضييع حقوق آنان توسط رفتار مجرمانه کاهش پیدا می‌کند. آگاه کردن افراد از جرائم و شیوه‌های مجرمان و آموزش‌های لازم به بزه‌دیدگان خاص، در کاهش بزه‌دیدگی خیلی

مؤثر است. گسترش اقدامات پیشگیرانه شخصی برای بزه‌دیدگان جرائم جنسی از قبیل آگاه کردن آنان درباره ایمن‌سازی خود در مقابل تعدیاتی که ممکن است نسبت به آنها صورت پذیرد، نیز ضروری است. اگر این نوع از بزه‌دیدگان اطلاع یابند که خیلی از رفتارهای آنها می‌تواند انگیزه ارتکاب جرم را ایجاد کند و بزهکاران را تحریک کند و سعی کنند که این رفتارها از آنها سر نزنند، در نتیجه از بزه‌دیده شدن خود جلوگیری می‌کنند. یکی از عوامل فراگیری این اصول، افزایش میزان تحصیلات با هدف ایجاد خودباوری و درک ضرورت خروج به موقع و فوری از قلمرو جرائم است. می‌توان با معرفی زمان‌ها و مکان‌های پرخطر و نوع خطرهایی که بزه‌دیدگان جرائم جنسی را تهدید می‌کند، آنان را به رعایت احتیاط و تدابیر لازم و ضروری برای بالا بردن ضریب ایمن‌سازی خود سوق داد (طهماسبی نیک، ۱۳۸۳، ص ۲۳۴)

- مقاوم کردن اهداف جرم و جاذبه‌زدایی: حفاظت و تقویت آماج‌های جرم برای افزایش امنیت این آماج‌ها و پیشگیری از بزه‌دیدگی آنهاست، چون هرچه حفاظت از آنان بیشتر باشد میزان خطر و هزینه کیفی جرم را برای بزهکار بالا می‌برد و در نتیجه مجرم را از ارتکاب جرم منصرف می‌کند. راهبرد محافظت از آماج‌ها با دو هدف اساسی پیشگیری وضعی هماهنگی داشته و در راستای تأمین این اهداف حرکت می‌کند. هدف اول کاهش وسوسه‌های مجرمانه و جلوگیری از ایجاد انگیزه در افراد است که با محافظت از آماج‌ها و سخت و دشوار کردن دسترسی به آنها محقق می‌شود؛ دشوار یا ناممکن ساختن وقوع عمل مجرمانه هدف دیگری است که با استفاده از این شیوه به دست می‌آید (غافلی، ۱۳۸۹، ص ۱۹۷). در بزه‌دیدگان ثانویه جرائم جنسی، مقاوم کردن و کاهش عوامل تحریک‌آمیز باید بیشتر توسط خود بزه‌دیده بالقوه انجام شود. پیشگیری وضعی درصدد است تا با مقاوم کردن و ایمن‌سازی آماج جرم از وقوع جرم و بزه‌دیده شدن هدف جلوگیری کند؛ زیرا همه افراد استعداد بزه‌دیده واقع شدن را دارند و برای جلوگیری از تبدیل شدن آنان به بزه‌دیده واقعی، شناسایی و حمایت از آنان ضروری است. جاذبه‌زدایی یعنی تدابیری که ناظر به کاهش یا حذف منافع مورد انتظار مجرمان است (ابراهیمی، ۱۳۹۱، ص ۱۲۵). گاهی بزه‌دیدگان جرائم جنسی و شرایط پیرامونی جرم در برانگیختن انگیزه مجرمان احتمالی بسیار مؤثر هستند. بنابراین، اگر بزه‌دیدگان احتمالی تغییراتی در کردار و گفتار خویش به وجود آورند، می‌توان به کاهش وسوسه و انگیزه در بزهکاران امیدوار بود.

نقش ترمیمی ضابطان قضایی در پیشگیری از بزه‌دیدگی ثانویه ناشی از جرائم جنسی: بزه‌دیدگی ثانویه جنسی در واقع شامل ناملایماتی می‌شود که از رهگذر پاسخگویی نامناسب افراد یا برخی از نهادها مانند

خود نهاد ضابطان قضایی بر بزه‌دیده وارد می‌شود. بنابراین بزه‌دیدگی ثانویه جنسی شامل ناملایماتی می‌شود که شاکی یا بزه‌دیده ممکن است در مراجع قضایی و اداری در ارتباط با شکایت، اقدام و حضورش در آن مراجع و یا رفتار نامناسب نزدیکان متحمل شود؛ در واقع بزه‌دیدگی ثانویه جنسی می‌تواند نتیجه فشارها، بداخلاقی‌ها، بی‌احترامی‌ها و تندخویی‌ها باشد که بزه‌دیده در جریان فرآیند کیفری متحمل شده و به بزه‌دیدگی اولیه و اصلی که بابت آن در مراجع قضایی حضور پیدا کرده است، افزوده شده است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۴، ص ۷۲) که خود دربرگیرنده پیامدهای گوناگون نامطلوب و نامناسب مادی (بدنی، روانی، مالی) و معنوی (عاطفی و حیثیتی) برای بزه‌دیدگان است. بنابراین شایسته است برخورد ضابطان قضایی با بزه‌دیدگان با کرامت، مهربانی و توأم با انصاف و برای جبران آسیب‌های مادی و معنوی بزه‌دیده باشد تا بدین وسیله بزه‌دیده احساس آرامش کند و دستگاه عدالت را در کنار خود ببیند نه در مقابل خود. بنابراین از این طریق می‌توان از بزه‌دیدگی ثانویه پیشگیری کرد.

رفتار ضابطان قضایی با بزه‌دیده و تأثیر آن در حفظ حقوق بزه‌دیده جنسی: زمانی که بزه‌دیده، جرم را به ضابطان دادگستری گزارش می‌دهد فرآیندی را آغاز می‌کند که هدف آن مشخص کردن اعتباریابی، گزارش بزه‌دیده است و در صورت اعتبار آن، شناسایی بزه‌کار و آوردن آن به نظام عدالت است. در جریان این فرآیند، بزه‌دیده به کرات با ضابطان قضایی در تعامل و برخورد هستند. نوع تعامل مثبت و برخورد و رفتار کارکنان با مخاطبان خود به عنوان بخش مهمی از فرآیند انجام کارها حائز اهمیت است. بنابراین ضابطان قضایی برای اجرای با کیفیت مأموریت خود، باید برای برخورد و رفتار کارکنان خود نیز اهمیت قائل باشد و بر آن نظارت داشته باشد.

اهمیت اخلاق و رفتار ضابطان قضایی: یکی از عمده‌ترین دغدغه‌های مدیران کارآمد در سطوح مختلف، چگونگی ایجاد بسترهای مناسب برای عوامل انسانی شاغل در تمام حرفه‌هاست تا آنها با حس مسئولیت و تعهد کامل به مسائل جامعه و حرفه خود بپردازند و اصول اخلاقی حاکم بر شغل و حرفه خود را رعایت کنند (امیری، ۱۳۸۹، ص ۲۰). اخلاق فردی، مسئولیت‌پذیری فرد در برابر رفتار فردی، حرفه‌ای و شغلی خود، به مثابه صاحب یک حرفه یا مسئولیت‌سازمانی. این اخلاق، در برگیرنده مجموعه‌ای از احکام ارزشی، تکالیف رفتاری و سلوک و دستورهایی برای اجرای آنهاست (ژکس^۱، ۱۳۵۵، ص ۹۲)؛ ضابطان

قضایی بیشتر با رفتارشان شناخته می‌شوند و حیطه اخلاق نیز رفتارهاست، اما نه هر رفتاری بلکه رفتارهای مطلوب (حاجی حسینی نژاد، ۱۳۸۸، ص ۹۲).

ضابطان قضایی در راستای اعمال قانون در صورت نیاز از قوه قهریه استفاده می‌کنند. بدین منظور اقتدار و قدرت منحصر به فردی به ضابطان قضایی داده شده است بنابراین مردم و دولت از این نهاد انتظار دارند مسئولیت‌های خود را با رعایت اخلاق اجرا کنند. توجه مردم به اقدامات ضابطان قضایی در برخی مواقع، به میزانی است که شاید خود ضابطان قضایی به آن توجه نداشته باشند. بنابراین بزه‌دیدگانی که می‌خواهند از حمایت ضابطان قضایی بهره‌مند شوند و خدمات انتظامی مختلفی را از ضابطان قضایی دریافت کنند، اگر احساس کنند که ضابطان قضایی ظاهری جانبدارانه دارند، نه تنها احساس نابرابر عمل کردن ضابطان قضایی را در ذهن آنان ایجاد خواهد کرد، بلکه می‌تواند فرصتی را برای سودجویان ایجاد کند که فکر کنند می‌توانند با ضابطان قضایی مصالحه نموده و مانع از به ثمر رسیدن فرآیند رسیدگی و حمایت‌های ضابطان قضایی از بزه‌دیده شوند. اگر مسائلی چون دریافت هدایا تا به این حد برای عموم جامعه و به خصوص بزه‌دیده که با ذهنیت حمایت عادلانه ضابطان قضایی از خود به این نهاد مراجعه کرده است، اهمیت دارد، به طور قطع کج‌رفتاری‌های دیگری همچون برخورد فیزیکی و یا فحاشی می‌تواند تأثیر بسیار بدی بر نگرش بزه‌دیده نیست به ضابطان قضایی بگذارد (کریمی خوزانی، ۱۳۸۵، ص ۱۳۹). آن چه برای ضابطان قضایی از اهمیت بالایی برخوردار است التزام عملی به اخلاق و رفتار منصفانه است، در غیر این صورت احساسی متشکل از نبود اعتماد عمومی، تقویت بی‌اعتمادی، تشدید ترس از رفتار ناعادلانه ضابطان قضایی و در نهایت نارضایتی از ضابطان قضایی به وجود می‌آید (کریمی خوزانی، ۱۳۸۸، ص ۱۵).

همچنین اگر رفتار کرامت‌مدار در راستای شناسایی نیازهای بزه‌دیده و جبران آسیب‌های مادی و معنوی بزه‌دیده و ارائه خدمات قضایی و غیر قضایی مناسب با توجه به حقوق وی صورت پذیرد، اعتماد به نفس بزه‌دیده را تقویت می‌کند و این حس را در او تقویت خواهد کرد که نیازهایش شناسایی و خسارت‌هایش جبران و دوباره به جامعه بازگردانده می‌شود و دیگر در معرض بزه‌دیدگی قرار نمی‌گیرد و در نهایت سبب اعتماد بزه‌دیده به ضابطان قضایی می‌شود. بزه‌دیده دیگر خود را بیگانه فرض نمی‌کند، در شناسایی بزه‌کاران همکاری می‌کند و توصیه‌های مشاوران و کارکنان دستگاه عدالت کیفری به خصوص ضابطان قضایی را به صلاح خود تشخیص خواهد داد (شیری، ۱۳۸۹، ص ۱۹).

استانداردسازی رفتار ضابطان دادگستری: استانداردسازی بیانگر عملکرد اصولی و منطبق با مقیاس های تعیین شده است که در هر سازمان متفاوت خواهد بود. ضابطان دادگستری موظف به ارائه خدمات قضایی و پیشگیری از وقوع جرائم و اجرا و پیگیری مأموریت ها در بین عموم مردم، لازم است ضابطان قضایی در جامعه همانند یک رهبر عمل کنند. ضابطان قضایی به سبب ارتباط وسیعی که با آحاد مردم و سازمان ها دارند، از اهمیت بسیار بالایی برخوردار هستند، به همین جهت مدنظر کلیه نظام ها اعم از الهی و غیر الهی قرار دارند. کج رفتاری ضابطان قضایی به خصوص در رده های اجرایی را می توان ناشی از فقدان الگوی رفتاری سازمانی دانست که موجب رفتارهای خودسرانه و تخلفات تعداد کمی از کارکنان می شود. این مهم لزوم تدوین استانداردها و الگوهای رفتاری مناسب را ضروری و اجتناب ناپذیر می سازد تا رفتار کارکنان در بستر آنها امکان بروز یابد.

حق بهره مندی از رفتار منصفانه برای بزه دیده ثانویه جنسی: اهمیت جایگاه کرامت انسانی در نظام کیفری امروز غیر قابل انکار است و از جنبه های مختلف حقوق کیفری را تحت تأثیر قرار می دهد. رفتار کرامت مدار با بزه دیده ثانویه جنسی یکی از حقوق انسانی و اخلاقی او محسوب می شود و بزه دیده ثانویه جنسی همانند هر انسان دیگری شایسته احترام است. بنابراین بزه دیده ثانویه جنسی حق دارد که با او محترمانه رفتار شود. از معیارهای دادرسی منصفانه نیز می توان به همین رفتار کرامت مدار با بزه دیده ثانویه جنسی اشاره کرد. منظور از رفتار کرامت مدار با بزه دیده ثانویه جنسی رفتاری است همراه با احترام که متناسب با موقعیت انسانی اشخاص و رعایت شأن انسانی آنان باشد (شیری، ۱۳۸۹، ص ۱۸).

در بزه دیدگی ثانویه جنسی، شخص بزه دیده قابلیت آسیب پذیری بالایی دارد، بنابراین نیاز به تکریم بیشتری داشته و همه دست اندرکاران نظام عدالت کیفری به خصوص ضابطان دادگستری باید این مهم را بیشتر مورد توجه قرار داده و آن را رعایت کنند (ابراهیمی، ۱۳۸۴، ص ۲۹۴). رفتار همراه با احترام و کرامت با بزه دیده، این حس که نیازهایش شناسایی، خساراتش جبران و دوباره به جامعه بازمی گردد را در او تقویت می کند، و او دیگر خود را تنها نمی بیند. چه بسا ترس از حمایت ناکافی و رفتار نامناسب در مراحل مختلف عدالت کیفری از مواجهه با ضابطان قضایی تا دادرسی و دادگاه خود موجب ناملایمات و بزه دیدگی دیگری شود که بزه دیده خود را در معرض آن احساس می کند.

بحث و نتیجه‌گیری

ضابطان دادگستری بازوی توانمند نظام عدالت کیفری محسوب می‌شوند که کشف و پیشگیری از جرم از جمله کارکردهای اساسی آن به شمار می‌رود. در اثر وقوع جرائم جنسی، بزه‌دیدگان متحمل آسیب‌های مادی و معنوی گوناگون می‌شوند و مستحق حمایت‌های قانونی دستگاه عدالت کیفری هستند. ضابطان دادگستری به عنوان یکی از ارکان اصلی و تأثیرگذار دستگاه عدالت کیفری اولین مرجعی هستند که بزه‌دیده با آنها برخورد می‌کند. بنابراین به واسطه ارتباط مستمری که با بزه‌دیده دارند بیشترین کمک را می‌توانند در حفظ حقوق بزه‌دیده، حمایت از وی و پیشگیری از بزه‌دیدگی ثانویه در جرائم جنسی انجام دهند. مرتکبان جرائم جنسی افرادی هستند که هدف آنها از زندگی، بهره‌برداری و احساس لذت مشروع و عادی مانند سایر افراد نیست، بلکه در پی برآورده‌سازی امیال شهوانی و نفسانی خویش و سوء استفاده و تمتع نامشروع از قربانیان این قبیل اعمال شوم و پلید برآمده‌اند.

نقش ضابطان دادگستری به عنوان یک نهاد رسمی که بیشترین ارتباط با بزه‌دیده را دارند، محدود به کشف جرم، تعقیب، دستگیری مجرمان و تحقیق و بازجویی از آنان نیست، بلکه موظف هستند، با پذیرفتن بزه‌دیده و شناسایی حقوق و دلایل بزه‌دیدگی او فرصت ارتکاب جرم را برای مجرمان محدود سازند و در مسیر حفظ حقوق بزه‌دیدگان جرائم جنسی گام‌های محکم‌تری بردارند. ضابطان دادگستری با حضور به موقع در کنار بزه‌دیده و انجام اقدامات حمایتی و مداخله در بحران‌های پس از بزه‌دیدگی و همچنین ارائه حمایت‌های قانونی در طول فرآیند رسیدگی و توجه به نیازهای بزه‌دیده و تلاش برای مرتفع کردن آنها می‌توانند از بزه‌دیدگی ثانویه و تکرار بزه‌دیدگی مجنی علیه جلوگیری کنند و سبب احساس امنیت و رضایت خاطر بزه‌دیده شوند و برعکس با رفتار نسنجیده خود نیز می‌توانند حس ترس، ناامیدی و پشیمانی از مراجعه به نظام عدالت کیفری و در نهایت روی آوردن بزه‌دیده به انتقام خصوصی را نیز به همراه داشته باشد.

ضابطان دادگستری برای کسب موفقیت در اجرای مأموریت خود باید استانداردهای رفتاری تعیین شده را رعایت کنند و از سازوکارهایی همچون میانجیگری، پیشگیری وضعی برای حمایت از بزه‌دیده و حقوق قانونی وی استفاده کنند. از این رو لازم است سازمان‌های مرتبط ضابطان قضایی، نقش، وظایف و حساسیت‌های شغلی ضابطان را در برخورد با بزه‌دیده تعیین کرده و با ارائه راهکارهای مناسب به حمایت

از بزه‌دیده بر اساس قانون و یافته‌های جرم‌شناسی و بزه‌دیده‌شناسی بپردازند و به کارکنان خود آموزش‌های لازم را در این خصوص ارائه کنند تا کارکنان با داشتن علم کامل نسبت به نیازها، مشکلات، دغدغه‌ها و حقوق بزه‌دیدگان به شناسایی آسیب‌های بزه‌دیده و حمایت و حفاظت از وی اقدام کنند. در مجموع یکی از روش‌های مقابله و مبارزه با بزه‌دیدگی ثانوی جرائم جنسی استفاده از ضابطان دادگستری در پیشگیری وضعی است. ضابطان دادگستری باید توان عمده خود را برای جلوگیری از وقوع جرم صرف کنند نه این که تنها هدفش مبارزه کیفری و سرکوبگرانه با بزه‌دیدگان جرائم جنسی باشد.

پیشنهادها

- فرهنگ‌سازی برای مشارکت مردم با دستگاه‌های مجری عدالت؛
- تقویت و تشویق اذهان عمومی جامعه و بزه‌دیده در مراجعه به نظام عدالت کیفری برای اعلام جرائم جنسی و وضعیت ناشی از ارتکاب جرائم جنسی؛
- تقویت و گسترش نگرش بزه‌دیده‌مدار در سیاست جنایی؛
- حمایت از بزه‌دیده در مقابل احتمال بزه‌دیدگی مجدد؛
- تأسیس و بکارگیری ضابطان قضایی محلی؛
- اعزام سریع تر ضابطان قضایی به محل وقوع جرم برای دریافت شکایت و ارائه راهنمایی‌های لازم.

فهرست منابع

- ابراهیمی، پیمان. (۱۳۸۴). بزه‌دیده به منزله شاکی خصوصی و حقوق او در مقررات آیین دادرسی کیفری. مجله حقوقی، (۵۲)، صص ۲۸۷-۳۲۴.
- ابراهیمی، شهرام. (۱۳۹۱). جرم‌شناسی پیشگیری. چاپ دوم. تهران: نشر میزان.
- امیری، علی‌نقی؛ همتی، محمد و مبینی، مهدی. (۱۳۸۹). اخلاق حرفه‌ای، ضرورتی برای سازمان. مجله معرفت اخلاقی، ۱(۴)، صص ۱۳۷-۱۵۹.
- انصاف پور، غلامرضا. (۱۳۸۶). فرهنگ لغت فارسی. تهران: نشر محمد.
- پوت واین و سامونز، آیدن. (۱۳۸۶). روان‌شناسی و جرم. داود نجفی توانا، مترجم. تهران: نشر میزان.
- حاجی حسین‌نژاد، غلامرضا؛ محبی، علی و بلاغت، سیدرضا. (۱۳۸۸). اخلاق حرفه‌ای و تعاملات ارتباطی ضابطان قضایی با جامعه. فصلنامه انتظام اجتماعی، ۱(۱)، صص ۱۳۷-۱۶۱.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۸۹). لغت‌نامه دهخدا. تهران: انتشارات دهخدا.
- رایجیان اصلی، مهرداد. (۱۳۸۱). بزه‌دیده در فرایند کیفری. تهران: خط سوم.
- رایجیان اصلی، مهرداد. (۱۳۸۳). رهیافتی نو به بنیان‌های نظری پیشگیری از جرم. مجله حقوقی دادگستری، (۱۸-۱۹)، صص ۱۲۴-۱۶۸.

- رایجیان اصلی، مهرداد. (۱۳۸۴). بزه‌دیده‌شناسی حمایتی. چاپ اول. تهران: نشر دادگستری.
- ژکس، کورت. (۱۳۵۵). فلسفه اخلاق، حکمت عملی. ابوالقاسم پورحسینی، مترجم. تهران: سیمین‌غ.
- سیاح، احمد. (۱۳۷۵). فرهنگ جامع. تهران: ناشر: فرهنگ جامع.
- شایان، علی. (۱۳۸۴). عدالت برای بزه‌دیدگان. معاونت حقوقی و توسعه قضایی قوه قضاییه و مرکز مطالعات توسعه قضایی. تهران: نشر سلسبیل.
- شیری، عباس. (۱۳۸۹). رفتار کرامت‌مدار با بزه‌دیدگان. فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، ۲(۴)، صص ۱۷-۵۸.
- طهماسبی نیک، اشرف علی. (۱۳۸۳). سیاست جنایی اسلام در برخورد با بزهکاری و بزه‌دیدگی زنان. چاپ اول. تهران: برگ زیتون.
- عمید، حسن. (۱۳۸۷). فرهنگ فارسی عمید. تهران: نشر امیرکبیر.
- غافل، مدینه. (۱۳۸۹). بررسی پیشگیری از بزه‌دیدگی زنان با تأکید بر دیدگاه‌های اسلامی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی. دانشگاه قم.
- قاسم‌پور، ابوالقاسم. (۱۳۸۱). ضابطان قوه قضائیه و وظایف آنها. چاپ اول. تهران: انتشارات افق امید.
- قاسمی، مسعود. (۱۳۹۰). نقش ضابطان قضایی در کاهش آسیب‌های ناشی از بزه‌دیدگی، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، ۶(۱۸)، صص ۸۳-۱۱۸.
- قوام، میرعظیم. (۱۳۸۹). حقوق بزه‌دیدگان و خواسته‌های آنان از ضابطان قضایی. فصلنامه انتظام اجتماعی، ۲(۲)، صص ۶۱-۱۰۳.
- کریمی خوزانی، علی. (۱۳۸۵). تدوین معیارهای اخلاقی کارکنان پلیس. فصلنامه دانش انتظامی، ۹(۳)، صص ۹۶-۱۱۱.
- کریمی خوزانی، علی. (۱۳۸۸). بهینه‌سازی الگوی رفتاری کارکنان پلیس با تدوین معیارهای اخلاقی: گامی موثر در حرکت به سوی اصلاح الگوی مصرف. دوماهنامه توسعه انسانی پلیس، ۶(۲۶)، صص ۷-۲۰.
- کی‌نیا، مهدی. (۱۳۸۸). مبانی جرم‌شناسی. تهران: دانشگاه تهران.
- گسن، ریموند. (۱۳۷۰). مقدمه‌ای بر جرم‌شناسی. مهدی کی‌نیا، مترجم. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
- نجفی ابرنآبادی، علی حسین. (۱۳۸۲). تقریرات مباحثی در علوم جنایی. جلد دوم. دانشگاه شهید بهشتی.
- نجفی ابرنآبادی، علی حسین. (۱۳۸۴). عدالت برای بزه‌دیدگان. مجله حقوقی دادگستری، ۵۲ و ۵۳، صص ۸-۷۲.
- نیازپور، امیرحسن. (۱۳۸۳). حقوق پیشگیری از بزهکاری در ایران. مجله حقوقی دادگستری، ۴۸ و ۴۹، صص ۱۶۹-۲۲۶.

Kensal, Hazel. (2003). Understanding the Community Management of High Risk Offenders. Berkshire: Open University press, First Published.

McLaughlin Eugene, John Muncie. (2001). the Sage Dictionary of Criminology. Sage Publications.



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی